

Original Article

Jurisprudential Explanation of the Emerging Phenomenon of Hypnosis

Seyed Reza Asadi Vanani^{1*}, Mohammad Mohseni Dehkalani², Saeid Ebrahimi³, Abasali Soltani⁴

1. PhD Student, Faculty of Theology, Mazandaran University, Babolsar, Iran. (Corresponding Author)

Email: asadi22@yahoo.com

2. Associate Professor, Faculty of Theology, Mazandaran University, Babolsar, Iran.

3. Assistant Professor, Faculty of Theology, Mazandaran University, Babolsar, Iran.

4. Associate Professor, Faculty of Theology, Ferdowsi University, Mashhad, Iran.

Received: 28 Jul 2018 Accepted: 23 Jul 2019

Abstract

Background and Aim: During recent centuries that hypnotism has been found, scientists have described different viewpoints about its nature. A group of jurists believe that hypnosis is one of the examples of magic and another sees it as a new issue. The jurists, according to the concept of hypnosis nature, have given different rulings about it. So far, no research has been conducted on the evaluation of the reasons for who say hypnosis is new issue.

Material and Methods: In this research, the nature of hypnosis and its differences and similarities with the magic were studied. Then, it has been tried to present reasons of scholars who believe hypnotism is a new happening issue and analyze these reasons with descriptive-analytical method.

Conclusion: Findings of this research after studying reasons of scholars who think hypnotism is new happening issue, is they are not wrong completely. But writers of this study are certain that hypnotism is a kind of talking magic. Hypnosis has been known by large as a phenomenon where the hypnotist takes control of your mind. Therefore, use of hypnosis is prohibited primitively.

Keywords: Hypnotism; Magic; Islamic Jurisprudence

Please cite this article as: Asadi Vanani SR, Mohseni Dehkalani M, Ebrahimi S, Soltani A. Jurisprudential Explanation of the Emerging Phenomenon of Hypnosis. *Feghh Journal* 2019; 11(38-39): 21-31.

تبیین فقهی اباحه پدیده نوظهور هیپنوتیزم

سیدرضا اسدی وانانی^{۱*}، محمد محسنی دهکلانی^۲، سعید ابراهیمی^۳، عباسعلی سلطانی^۴

۱. دانشجوی دکتری، دانشکده الهیات، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران. (نویسنده مسؤول) Email: asadi22@yahoo.com

۲. دانشیار، دانشکده الهیات، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.

۳. استادیار، دانشکده الهیات، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.

۴. دانشیار، دانشکده الهیات، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

دریافت: ۱۳۹۷/۵/۶ پذیرش: ۱۳۹۸/۵/۱

چکیده

زمینه و هدف: در طی قرون اخیر که هیپنوتیزم کشف گردیده، آرای مختلفی در مورد ماهیت آن صادر شده است. گروهی از فقیهان بر این باورند که هیپنوتیزم از مصادیق سحر است و عده دیگری آن را یک مسأله نوپدید می‌دانند. با توجه به برداشت متفاوت فقیهان از ماهیت هیپنوتیزم، احکام مختلفی در مورد آن صادر شده است و تاکنون پژوهشی در مورد ارزیابی دلایل قائلین به نوپدیدبودن هیپنوتیزم ارائه نشده است.

مواد و روش‌ها: در این مطالعه، ماهیت هیپنوتیزم و وجوه تمایز و شباهت‌های آن با سحر مورد بررسی قرار گرفت و پس از آن، ادله فقهی صاحبان نظر در مورد نوپدیدبودن استفاده از هیپنوتیزم ارائه شد و سپس این دلایل مبتنی بر اسلوب توصیفی - تحلیلی، مورد واکاوی و نقد قرار گرفت.

نتیجه‌گیری: نتایج حاصل از این پژوهش حاکی از آن است که هرچند مستحده دانستن مسأله هیپنوتیزم وجه دارد، اما نویسندگان مقاله بر این باور صحه می‌گذارند که هیپنوتیزم، نوعی سحر کلامی است که هیپنوتیزور، به وسیله آن، کنترل ذهن انسان را به دست می‌گیرد. بنابراین حکم اولیه استفاده از هیپنوتیزم، حرام بودن آن است.

واژگان کلیدی: هیپنوتیزم؛ سحر؛ فقه اسلامی

مقدمه

استفاده از هیپنوتیزم در ایجاد بی‌حسی و بیهوشی در جراحی، بیماری‌های زنان و زایمان و دندان‌پزشکی می‌تواند برای درمانگرانی که در این حوزه‌ها کار می‌کنند، بسیار مفید باشد. هیپنوتیزم در درمان مشکلات روان‌شناختی، از جمله روان‌پریشی و روان‌نژندی نیز مؤثر است. بسیاری از محققین بر این عقیده‌اند که اضطراب و تنش از طریق تأثیر بر ترشح هورمون‌ها و دستگاه ایمنی، در نازایی برخی از زنان مؤثر است و گزارش‌هایی در مورد تأثیر هیپنوتیزم در این زمینه وجود دارد. همچنین در مدت حاملگی، از هیپنوتیزم می‌توان برای کاهش تنش و اضطراب فرد و آماده‌کردن او برای یک وضع حمل راحت استفاده کرد (۱). واقعیت این است که افرادی وجود دارند که به واسطه اختلالات روانی، دچار گرفتاری‌های روانی و افسردگی‌های شدید شده‌اند و با داشتن این مشکلات از نعمت برخوردار بودن زندگی سالم محروم شده‌اند و بی‌آنکه خود خواسته باشند، مشکلات عدیده‌ای را به جامعه و خانواده تحمیل کرده‌اند که بنا بر گزارش‌های موجود، حتی بعضی از این افراد اقدام به خودکشی نیز نموده‌اند. تحقیقات نشان داده‌اند که هیپنوتیزم در مدیریت اضطراب، افسردگی خشم، سرخوردگی، مدیریت درد به عنوان یک درمان مکمل و جایگزین، مؤثر واقع شده است و به عنوان یک عامل مهم در صرفه جویی خدمات بهداشتی و درمانی می‌تواند در نظر گرفته شود (۲).

در فرایند هیپنوتیزم، درمانگر سعی می‌کند تلقینات مثبت خود را وارد قسمت ناخودآگاه ذهن کند. ارائه تلقینات مثبت همانند این است که شما روی نوار ویدیویی، چیزهای تازه و مثبتی ضبط کنید. در واقع مطلب جدید و مثبت، جایگزین مطالب کهنه قدیمی می‌شود (۳). قسمت‌های مختلف مغز هر کدام وظایف و کارهایی را به عهده دارند. در زمان هیپنوتیزم، قسمت‌های دیگر مغز که به اندیشه‌های مختلف توجه دارند، از کار ایستاده و فقط یک فکر و موضوع برای هیپنوتیزم‌شونده باقی می‌ماند. با توجه و تمرکز به یک نقطه یا فکر، در چنین حالتی، تلقین وارد صحنه شده و فرد، افکار تلقین‌شده را به راحتی می‌پذیرد (۴).

در مورد این‌که هیپنوتیزم چقدر می‌تواند بر اراده فرد تأثیر بگذارد و هیپنوتیزم‌کننده تا چه حد می‌تواند بر ذهن هیپنوتیزم‌شونده کنترل داشته باشد، بین صاحب‌نظران اختلاف نظر وجود دارد، ولی این باور وجود دارد که در شرایط خلسه هیپنوتیزمی که از بالاترین درجات هیپنوتیزم است؛ برخی افراد می‌توانند به بعضی از مطامع غیر اخلاقی دست یابند (۵). با بررسی نظرات فقها در مورد استفاده از هیپنوتیزم، همه آن‌ها به سه نظریه ختم می‌شود: نظریه اول، هیپنوتیزم را همان سحر می‌داند که به نظر ایشان، انجام آن مطلقاً حرام است (۶)؛ نظریه دوم، علی‌رغم این‌که هیپنوتیزم را سحر دانسته، اما در صورت ضرورت، حکم به جواز آن داده‌اند (۷)؛ اما نظریه سوم، ماهیت آن را جدا از سحر دانسته و آن را از قبیل مسائل نوپدید شمرده‌اند که با توجه به این‌که خطابی از ناحیه شارع مقدس به دست بندگان در مورد آن نرسیده است، لذا به استنباط حکم در مورد آن پرداخته و در نهایت، حکم به جواز آن داده‌اند (۸). از آنجا که هیپنوتیزم از نظر برخی از فقیهان، از مسائل نوپدید به شمار می‌آید که از نظر ایشان، استفاده از آن مباح است و از طرف دیگر از نظر عده‌ای دیگر از فقیهان، از مصادیق سحر محسوب می‌گردد که بعضی حکم به حرمت آن به صورت مطلق و بعضی دیگر علی‌رغم حکم اولیه حرمت آن، حکم به جواز آن تحت شرایطی خاص داده‌اند، لذا با توجه به استفاده چشم‌گیر از آن در جامعه، این سؤال پیش می‌آید که دیدگاه سحر بودن آن معتبر است یا دیدگاه نوپدید بودن آن؟ آیا دلایل قائلین به مباح بودن به علت نوپدید بودن آن با مبانی فقهی شیعه سازگار است؟ فرضیه مأخوذ نزد نگارندگان آن است که بر دلایل قائلین به نوپدید بودن هیپنوتیزم که مباح بودن آن را در پی داشته است، ایرادات اساسی وارد است. از این رو به نظر می‌آید که دیدگاه برگزیده مبنی بر سحر بودن هیپنوتیزم وجه دارد. هدف از پژوهش حاضر، بررسی نظریه مباح بودن استفاده از هیپنوتیزم به دلیل نوپدید بودن آن می‌باشد که جهت دستیابی به آن، لازم است ادله فقهی صاحبان این نظر، بطور دقیق مورد مطالعه قرار گیرد.

هدف تحقیق

در تحقیق پیش رو، با بررسی ماهیت هیپنوتیزم به صورت دقیق و فحص در معانی لغوی و اصطلاحی سحر، ادله قائلین به نوپدیدبودن هیپنوتیزم و در پی آن، مباح بودنش هدف نقد قرار گرفته و نظریه حرام بودن آن تقویت می‌شود.

ضرورت تحقیق

جنبه‌های مثبت استفاده از هیپنوتیزم بر هیچ کسی پوشیده نیست. با استفاده از هیپنوتیزم، تسکین درد در بیماران، تقویت حافظه، تسهیل در یادگیری، ایجاد یا تقویت انگیزه در مطالعه، افزایش بازده در مطالعه و افزایش قدرت خلاقیت، قابل حصول می‌باشد. با توجه به این مزایاست که هیپنوتیزم از موضوعات بحث روز در علوم روان‌شناسی و پزشکی است. به عبارت دیگر، بسیاری از افراد نه دارای اراده آهنین هستند تا اذهان خود را برای پذیرش مجموعه جدیدی از باورها و رفتارها مجهز کنند و نه دارای صبر و وفاداری مورد نیاز برای استفاده مؤثر از عبارت‌های مثبت روزانه، لذا شیوه ساده‌تری برای غلبه بر سیستم امنیتی ذهن برای این افراد مورد نیاز است. هیپنوتیزم شیوه عاقلانه و مناسبی را برای این تغییر ارائه می‌دهد. سیستم امنیتی را به گونه‌ای خلع سلاح کرده و آن را دور می‌زند که مستقیماً با ذهن درونی ارتباط برقرار کند.

چهره پنهان و منفی هیپنوتیزم این است که بعضی از هیپنوتیزم درمانگران، با توانایی‌های قابل توجه می‌توانند دیگری را به خواب فرو برده و وادار به خواب‌گردی نمایند و حتی در هنگام خواب‌گردی به شخص دستور دهند که دیگری را مصدوم نموده و یا به قتل برسانند. این نوع از خواب‌گردی که غالباً به وسیله هیپنوتیزم انجام می‌شود، خواب‌گردی مصنوعی نامیده می‌شود (۹)، لذا با استفاده نابجا در شرایط هیپنوز، می‌توان برخی از رفتارهای ضد اخلاقی و ضد اجتماعی را دامن زد یا شدت بخشید. برخی محققین اختلالات جدی را به هیپنوتیزم نمایشی نسبت داده‌اند، از قبیل سردرد، تحریک پذیری، اضطراب، اختلالات خواب، حملات هراس، وسواس و هذیان و مشکلات جنسی (۱۰).

ضرورت شناسایی ماهیت هیپنوتیزم برای فقیه تا بدان حد است که در صورت عدم شناخت کامل آن، صدور احکام فقهی مرتبط با آن برای هیپنوتیزم‌شونده و هیپنوتیزم‌کننده ممکن نخواهد بود. به عبارت دیگر، اگر ماهیت هر موضوعی برای فقیه معلوم نشود، ممکن است در مقام عمل در ورطه اباحه‌گری و یا توقف مبتلا شود. به عنوان مثال، ممکن است یک تردستی و سرعت دست ساده و یا علوم مفیدی از قبیل حساب اعداد، داخل در حکم سحر شده و به اجتناب از ارتکاب به آن حکم شود و از سوی دیگر، مصادیق واقعی سحر به خاطر روشن نبودن تعریف آن، مباح شمرده شود.

۱- ماهیت هیپنوتیزم

هیپنوتیزم همواره به عنوان موضوعی معماگونه و بحث‌برانگیز مطرح بوده و دانشمندان زیادی را جهت پی‌بردن به حقیقت رازآلود خود به تلاش واداشته است، اگرچه پژوهش‌های بسیاری در مورد هیپنوتیزم و تأثیر آن وجود دارد، ولی تاکنون تئوری جامع و گویایی برای توجیه آن پیدا نشده و هنوز ظاهر اسرار آمیز خود را حفظ نموده است. اگر از صد هیپنوتیزم درمانگر، تعریف هیپنوتیزم را بپرسید، احتمالاً بیش از یکصد جواب را به دست خواهید آورد. حقیقت این است که درباره هیپنوتیزم، هیچ تعریف جامعی وجود ندارد (۱۱). با توجه به مرموز، نامرئی و پنهان بودن عوامل سحر، تعریف صریح و دقیقی که با ترسیم کامل از آن، جامع اطراف و مانع اغیار باشد، نزد لغت‌شناسان و فقیهان وجود ندارد، لذا بهتر است در ابتدا، ماهیت‌های سحر و هیپنوتیزم و تمایزات و شباهت‌های این دو بررسی شود.

۱-۱- تعریف هیپنوتیزم در لغت و اصطلاح: هیپنوتیزم

در لغت‌نامه دهخدا، لختی و بی‌ارادگی است که بر اثر نوعی القا از طرف دیگری برای شخصی پیدا می‌شود (۱۲) و در فرهنگ عمید، علمی است که درباره خواب مصنوعی بحث می‌کند. خواب مصنوعی از طریق تأثیر شخصی در شخص دیگر تولید می‌شود و کسی که به خواب می‌رود، تحت اختیار و اراده هیپنوتیزور قرار می‌گیرد (۱۳).

در مورد معنای اصطلاحی هیپنوتیزم در زبان فارسی، از جمله در متون عمیق و ریشه‌دار عرفانی ما، اصطلاحات فراوانی

- سحر در معنای چیزی است که مرتاضین به سویس می‌روند و در این مورد - سحر - اسم و افسونی است برای فعلی که می‌پندارند در اثر تداوم و نیروی آن، صورت‌ها و طبیعت‌ها دگرگون می‌شود، مثلاً انسان را الاغی می‌کند، ولی این نوع، خیال و پنداری بیش نیست و واقعیت ندارد (۱۸).

گزیده این تعاریف در مورد سحر در لغت را می‌توان این گونه بیان کرد که سحر به اموری اطلاق می‌شود که منشأ دقیقی دارد و مبنای آن بر خدعه است و پس از ظهور، دارای جذابیت است که بینندگان را به شگفتی و وهم وامی‌دارد. نتیجه آن، گاه توهم و خیال است و غیر واقعی و گاه تأثیر واقعی دارد. همانطور که در قرآن آمده است که به واسطه آن بین زن و شوهر، تفرقه ایجاد می‌کردند (۱۹).

برای تعریف سحر در اصطلاح، عبارات مختلفی توسط فقیهان، بیان شده که منشأ این اختلاف، تصورات گوناگونی است که ایشان از حقیقت سحر دارند. از نظر علامه حلی هر گرفتار، نوشتار، وردخوانی یا هر عملی که در بدن، قلب یا عقل فرد سحرشده تأثیر بگذارد، بدون آنکه ساحر با او تماس پیدا کند، سحر نامیده می‌شود و ممکن است سبب قتل، بیماری، جدایی میان زن و شوهر، کینه و دشمنی میان آن دو یا پیدایش محبت شخصی به دیگری گردد (۲۰).

از نظر فخرالمحققین، سحر و جادو، ایجاد کارهای خارق‌العاده است که منشأ آن، امری مانند تأثیرات نفسانی، بهره‌گیری از فلکیات، در آمیختن قوای آسمانی با قوای زمینی و یا استعانت از ارواح بسیط [فرشتگان، اجنه و شیاطین] می‌تواند باشد که در اصطلاح خاص، اولی [ایجاد کارهای خارق‌العاده به سبب تأثیرات نفسانی] «سحر»، دومی «دعوت کواکب»، سومی «طلسمات» و چهارمی «عزائم» نامیده می‌شود (۲۱).

شهید اول در کتاب دروس، سحر را الدخنة، التصوير، النفث و تصفیه النفس معرفی کرده است (۲۲) که دخنه، یعنی بخوری که ساحر به واسطه افروختن برخی از اشیا ایجاد کرده و از آن بهره‌برداری می‌کند. مراد از تصویر، صورت مسحور یا سایر افراد می‌باشد. مقصود از نفث، دمیدن می‌باشد که به معنای فوت نمودن است که شخص اورادی را خوانده، در آب می‌دمد و

هم معنای با هیپنوز به چشم می‌خورد، مانند جذب، شوریدگی، سرمستی، خلسه، سماع، وجد، اشراق، شور و... و اصطلاح انگلیسی آن ترانس (Trance) که به معنی انتقال از خودآگاهی به ناخودآگاهی یا دورشدن از خود و نزدیک شدن به بی‌خودی است (۱۴).

هیپنوتیزم در اصطلاح روان‌شناسی، حالت روحی خاص، شبیه خواب‌آلودگی، القایی و ارادی است و در آن هوشیاری و آگاهی سوژه فوق‌العاده افزایش می‌یابد. این آگاهی معمولاً بر روی مطالبی تمرکز می‌کند که توسط هیپنوتیزور به او ارائه می‌شود. در حالت هیپنوتیزم، تلقین‌پذیری فرد و قدرت تخیلات و تصویرسازی ذهن افزایش می‌یابد و هرچه درجه هیپنوتیزم عمیق‌تر شود، این خصوصیات هم عمیق‌تر می‌گردند (۱۵). تلقین درمانی، هیپنوتراپی، هیپنوتیزم نمایشی و حساسیت‌زدایی از مصادیق بارز هیپنوتیزم می‌باشند.

۲-۱- تعریف سحر در لغت و اصطلاح: اهل لغت و

فقیهان، تعاریفشان در مورد سحر مختلف می‌باشد که این اختلاف، سبب شده بعضی کارها، بنا بر برخی تعاریف از مصادیق سحر و بنا بر تعاریف دیگر از قلمرو آن خارج گردد. سحر را به معنی جادوکردن، فریفته‌ساختن کسی با کاری شگفت‌انگیز و کاری که در آن فریبندگی و گیرندگی باشد، معرفی نموده‌اند (۱۶). واژه سحر در کتاب معجم المصطلحات با عناوین اخذ آمده است و سحر به معنای هر چیزی است که لطیف و دقیق باشد. ازهری از فراء و دیگران آورده است که اصل سحر در لغت، صرف است. صرف در اینجا یعنی برگرداندن از حال واقعی، زیرا سحر همیشه تصرفی در دیگران می‌کند و شخص را از حال طبیعی برمی‌گرداند. در ادامه ازهری گفته است سحر، عملی است که با آن به شیطان نزدیک می‌شوند و از او مدد می‌گیرند (۱۷).

راغب اصفهانی در کتاب مفردات ألفاظ القرآن که مخصوص واژه‌های قرآن است به سه معنی اشاره می‌کند:

- خدعه و فریب و همچنین پندارهایی که حقیقت ندارد، مثل شعبده بازی.

- سحر در معنی یاری و معاونت شیطان به گونه تقرب جستن و نزدیکی به او.

جمله، اغفال و فریب مردم نیز استفاده می‌شود، ولی در هیپنوتیزم فقط با نفوذپذیری در ذهن است که هیپنوتیزور به اهداف خود دست می‌یابد. هرچه تمرکز و آرامش ذهنی بالاتر باشد، تلقینات در سطح بالاتر و بهتری جذب ضمیر ناخودآگاه سوژه می‌شود.

۴-۱- سحر بودن هیپنوتیزم: همانطور که در مباحث پیشین بیان شد، قدرت داشتن به سحر اسباب عدیده‌ای دارد. یکی از اسباب و مأخذ و عامل تام و تمام آن، تزکیه نفس بیان شده است، یعنی نفس با تزکیه یا تلقین به مرحله ای از قدرت می‌رسد که (ساحر) با نگاهش، شخص دیگری را از حالت بیداری به حالت خواب می‌برد و همین خواباندن (هیپنوتیزم)، خودش از اقسام سحر است، چون خواب و بیداری آن شخص، بدون اراده او صورت می‌گیرد (۲۶).

هیپنوتیزم از نظر اشخاص عادی، شامل به زبان آوردن حرف‌های عجیب و غریب توسط هیپنوتیزور است که به بسته شدن چشمان سوژه منجر می‌شود و در این هنگام، تلقینات را به آسانی می‌پذیرد. در هیپنوتیزم سعی می‌شود پیوندهای تماس فرد با محیط محدود و منحصر به دستورها و تلقین‌های هیپنوتیزور شود. هیپنوتیزور براحتی می‌تواند با مضامین ساده کار خود را شروع کند و بعد سراغ انواع تکنیک‌های عمیق‌کننده هیپنوتیزم برود و پس از رسیدن به عمق دلخواه هیپنوتیزم به تلقینات مورد نظر بپردازد. در مورد سوژه‌های هیپنوتیزم‌شده که وارد جلسه‌های عمیق می‌شوند، فرد چیزهایی را می‌بیند که وجود ندارد و حتی ممکن است به حالت اغما برود. با توجه به همین خاصیت هیپنوتیزم است که می‌توان از آن در جهات مثبت مانند انجام عمل جراحی بدون استفاده از داروهای مضر بیهوشی و یا جنبه های منفی آن نظیر اعمال منافی عفت و غیر اخلاقی استفاده کرد.

با توجه به مطالب ذکر شده، معنی سحر کلامی که در بیان صاحب معجم المصطلحات آمده، همان چیزی است که امروزه از آن به عنوان هیپنوتیزم یاد می‌شود. سحر کلامی از نظر ایشان عبارتست از امری غریب و لطیف که در قلب نافذ است و همانند سحر، آن را از حالی به حال دیگر تغییر می‌دهد (۲۷).

سپس آب مذکور را به کسی که قصد ایراد ضرر به او را دارد می‌خوراند. منظور از تصفیه نفس، عبارت است از ریاضت کشیدن که بر اثر ریاضت، نفس به مرتبه‌ای می‌رسد که به وسیله آن می‌تواند بر اشخاص اثر بگذارد. بدون شک در اثر مراقبه و تمرکز و ریاضت و تمرین و تقویت نیروهای باطنی و استعدادهای روحی، انسان به مرحله‌ای می‌رسد که نوعی تسلط و حاکمیت بر قوانین مادی پیدا می‌کند و می‌تواند در ورای قید و بندهای مادی و فرمول‌های متعارف، دست به کارهایی بزند که از عهده انسان‌های عادی خارج است (۲۳).

شیخ مرتضی انصاری در مکاسب می‌فرماید: «جمع بین کلمات لغت‌شناسان و اقوال فقیهان در این که سحر چیست، در غایت اشکال است» (۲۴). شاید جهت اشکال این باشد که چون ماهیت سحر برای فقیهان مشخص نیست، لذا هر فقیه‌ی با توجه به منابعی که در اختیار داشته و همچنین با اضافه نمودن حدس و گمان خود، تعریفی از سحر ارائه نموده است. چکیده تعاریف صورت‌گرفته از سحر این است که سحر، تصرفاتی است که ساحر با خدعه و فریب، بر روی چشم و ذهن و خیال مخاطب انجام می‌دهد و بر اثر آن، مسحور یک امر غیر واقعی را واقعی می‌بیند.

۳-۱- شباهت‌ها و تفاوت‌های هیپنوتیزم و سحر:

شباهت سحر و هیپنوتیزم در این است که هر دو در جنبه روانی بسیار تأثیرگذارند و این تأثیرگذاری بدون تماس ساحر یا هیپنوتیزم‌کننده با مسحور یا هیپنوتیزم‌شونده ممکن است. در هر دو این امکان وجود دارد که باطل را به صورت حق جلوه داد، زیرا متبادر از سحر در کلمات فقیهان، این است که یک امر غیر واقعی را به وسیله اسباب پنهان با فریب و ظاهرسازی، واقعی جلوه داد (۲۵). در هیپنوتیزم نیز ممکن است با نفوذ در ذهن ناخودآگاه سوژه، یک رفتار نابهنجار و غیر ارزشی را برای فرد به ارزش و هنجار تبدیل کرد.

مهم‌ترین وجه تمایز سحر و هیپنوتیزم، این است که سحر، عوامل زیادی دارد و منحصر به تصرف در ذهن و خیال مخاطب نمی‌باشد، اما هیپنوتیزم، تنها فرایندی ذهنی و فکری است. به عبارت دیگر در اکثر سحرها از خواص ناشناخته فیزیکی و ترکیبات شیمیایی جهت نیل به اهداف ساحر از

۲- دلایل قائلین به مستحذنه بودن هیپنوتیزم و حکم آن

افرادی که قائل به مستحذنه بودن هیپنوتیزم هستند، این گونه استدلال می‌کنند که بررسی منابع فقهی و قرآنی و مفهوم سحر، بیانگر سه نکته در مورد آن است که اولاً سحر امری خارق‌العاده است (۲۸)؛ ثانیاً عبارات فقیهان حکایت از این دارد که عملی سحر محسوب می‌شود که مشتمل بر اضرار باشد. بنابراین سحر امری است که ضرر رساندن به دیگری را دربر دارد (۲۹)؛ ثالثاً انجام سحر بدون اراده و اجازه و تماس با مسحور می‌باشد (۳۰). بدین خاطر حکم فقهی سحر مشمول حرمت است و تعلیم و تعلم آن، بغیر از موارد خاصی حرام است. از نظر قائلین به مستحذنه بودن هیپنوتیزم، چنین شباهت‌هایی بین سحر و این پدیده دیده نمی‌شود، زیرا از نظر ایشان اولاً هیپنوتیزم، امری خارق‌العاده نیست، بلکه تئوری‌ها و شیوه‌های آن مشخص است، هرچند همچون دیگر مسائل علمی، تبیین علمی کامل و نهایی در این مورد وجود ندارد؛ ثانیاً قصد هیپنوتیزم‌کننده در استفاده از هیپنوتیزم، بهبودی سوژه است و غرض منفی در بین نیست؛ ثالثاً هیپنوتیزم‌شونده خود به شکل ارادی برای دریافت منافعی که از چنین شیوه‌ای متصور است، آماده استفاده از آن می‌شود و هیپنوتیزم‌کننده بدون اراده سوژه، قادر به هیپنوتیزم وی نیست (۳۱).

از نظر قائلین به مستحذنه بودن هیپنوتیزم، در این روش، همچون روش‌های دیگر علمی و پزشکی، امکان سوءاستفاده وجود دارد، اما استفاده از این فن، همچون سایر حرفه‌ها، نیازمند رعایت اصول اخلاقی است، وگرنه نه تنها این فن، بلکه هر حرفه دیگر می‌تواند زمینه انحراف و رونق بازار شیادی باشد.

قائلین به مستحذنه بودن هیپنوتیزم، پس از استنباط حکم با تمسک به اصول عملیه و ادله فقهی این گونه فتوا داده‌اند که هیپنوتیزم فی نفسه اشکالی ندارد (۳۲)، اما عده دیگری از این فقیهان، به منظور جلوگیری از سوءاستفاده از این حرفه، این گونه بیان کرده‌اند که اگر با غرض عقلایی و همراه با رضایت کسی که می‌خواهد هیپنوتیزم شود، صورت بگیرد و ضرر معتناهی هم برای او نداشته باشد و همراه با کار حرامی

هم نباشد، اشکال ندارد (۳۳)، لذا فقیهان دیگر نیز برای این که جلوی استفاده نا به جا، توسط سوداگران و شیادان را بگیرند، در ادامه حکم به اباحه هیپنوتیزم، این گونه فتوا داده‌اند که هر کاری که به انسان صدمه و ضرر وارد می‌کند، حرام است و جایز نمی‌باشد (۳۴). بعضی نیز حکم داده‌اند چنانچه خوف ضرر بر کسی که این عمل با او انجام می‌گیرد یا شخصی دیگر داده شود جایز نیست (۳۵).

جمع‌بندی کلام افراد قائل به مستحذنه بودن هیپنوتیزم این است که در صورتی که جنبه‌های تجاری و شیادانه هیپنوتیزم مورد نظر نباشد و استفاده از آن توسط متخصصین این حرفه و در جهت کمک به هیپنوتیزم‌شونده و دارای غرض عقلایی باشد و داوطلب هیپنوتیزم با آگاهی کامل، ضرورت آن را در مورد خود پذیرفته باشد و از روی اراده، خود را تحت هدایت هیپنوتیزم‌گر قرار دهد، می‌توان از این روش به عنوان یک شیوه درمانگری یا حل مسأله، بهره‌برداری کرد. استفاده از این طریق، همچون دیگر طرق درمانگری، مستلزم حفظ اسرار هیپنوتیزم‌شونده و رعایت موازین اخلاقی از طرف درمانگر است. با فرض رعایت این اصول می‌توان حکم به جواز آموختن و آموزش هیپنوتیزم را نیز داد. در غیر این صورت و عدم رعایت این اصول، این روش همچون روش‌های دیگر حرفه‌ای و درمانی می‌تواند زمینه انحراف و شیادی باشد و تعلیم، تعلم و استفاده از آن جایز نیست.

۳- ایرادات وارد بر دلایل طرفداران مستحذنه بودن هیپنوتیزم

اشکالاتی در استدلال افرادی که قائل به نوپدیدبودن هیپنوتیزم هستند وجود دارد، از جمله این که ایشان در عبارات پیشین بیان نمودند: «سحر امری خارق‌العاده است» که در مقام پاسخ می‌توان گفت که سحر ممکن است شبیه امور خارق‌العاده باشد، ولی اساساً امری خارق‌العاده نیست. خرق عادت در حقیقت، همان معجزه پیامبران است تا با دیدن آن، مردم به آن‌ها ایمان آورند، لذا سحر و جادو از جمله مواردی است که پیامبران با آن مخالف بوده و به مقابله و ستیز با جادوگران و ساحران می‌پرداختند. مرحوم طبرسی در مجمع البیان در نفی خارق‌العاده بودن سحر چنین می‌فرمایند:

تماس با مسحور می‌باشد» که به منظور پاسخ می‌توان گفت که انجام سحر با اراده و اجازه و تماس با مسحور نیز شدنی است. بسیاری از فریبکاری و شیادی‌ها در گذشته و حال از طریق سحر، جادو و فالگیری با اجازه و تماس با مسحور انجام می‌شود، هرچند امروزه، فریبکاری چهره عوض نموده و در همان نقش، اما با صورتی دیگر و با عناوینی از قبیل هیپنوتیزم و اسپریتسم، همان سوءاستفاده‌ها انجام می‌شود. برخی از ساحران با تأثیر در ذهن انسان با اجازه او، فکری را بر ذهن وی القا می‌کنند و سپس به او می‌گویند تو در ضمیرت این فکر را داری و باعث حیرت شخص می‌شود و یا با قدرت روحی تله پاتی، فکر او را می‌خواند و موجب تعجب او می‌گردد.

انجام هیپنوتیزم نیز بدون اراده و اجازه و تماس با هیپنوتیزم‌شونده ممکن است. گاه شخص، خودآگاه یا ناخودآگاه تلقین یا (و) هیپنوتیزم را قبل از این‌که حتی از آن آگاه شده باشد، به کار برده است. با دقت به محیط اطراف، این مسأله آشکار می‌گردد که هیپنوتیزم در بعضی از سطوح خود، جزئی از زندگی روزمره شده است. هیپنوتیزم و تلقین پذیری به صورت ناخواسته، خصوصاً از طریق آگهی‌های تجاری وارد زندگی شخصی افراد شده است. آگهی تجاری رادیویی و تلویزیونی که بارها پخش می‌شود، می‌تواند سرانجام به طور عامل شرطی، شخص را به طرف اثر دلخواه صاحبان تجارت جلب کند (۴۱).

نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه گفته شد، می‌توان گفت هیپنوتیزم و سحر هر دو بر جنبه روانی تأثیرگذارند و در هر دو این امکان وجود دارد که باطل را به صورت حق جلوه داد. با توجه به شباهت‌های موجود، نمی‌توان نتیجه گرفت که هیپنوتیزم از دایره شمول سحر خارج است.

ایرادات اساسی که به استدلال قائلین به مستحده بودن هیپنوتیزم و در نتیجه، جواز آن وارد است این است که اولاً سحر امری خارق‌العاده نیست و هر فردی ممکن است با تمرین و ریاضت به توانایی‌های خاصی دست یابد و اعمالی را انجام دهد که از عهده افراد عادی خارج است؛ ثانیاً اختلافی

«چنانچه ساحر و افسونگر قدرت داشته باشند که نفعی را به خود جلب و یا ضرری را از خود دفع نمایند و غیب عالم را بدانند، پس در این صورت، توانایی دارند که پادشاهان را از تخت فرو نشانده و کشورهای آنان را بگیرند و بر شهرها غالب و پیروز گردند و گنج‌ها را از معادن استخراج نمایند و کوچک‌ترین ضرری به آنان توجه پیدا نکند و این در حالی است که ما آنان را گرفتارتر از دیگران می‌بینیم و خدعه و نیرنگ آنان را بیشتر از مردم مشاهده می‌کنیم و از اینجا پی می‌بریم که آنان هیچ‌گونه توانایی ندارند» (۳۶). بنابراین سحر امری شگرف است که به امور خارق‌العاده شباهت دارد، اما خود خارق‌العاده نیست، زیرا اولاً امری آموختنی است؛ ثانیاً در سحر با ارتکاب کارهای زشت، انسان مورد وسوسه قرار می‌گیرد (۳۷).

علاوه بر آن قائلین به نوپدیدبودن هیپنوتیزم گفتند: «سحر عملی است که مشتمل بر اضرار باشد» که این‌گونه می‌توان پاسخ داد که سحر، صرفاً اختصاص به عملی ندارد که مشتمل بر اضرار باشد. مرحوم خوئی در این‌که حرمت سحر، اختصاص به سحری دارد که مضر است می‌فرماید: «این مسأله اختلافی است» (۳۸). مرحوم ایروانی در کتاب خویش حاشیه بر مکاسب شیخ انصاری پس از نقل قولی از شارح نخبه نتیجه‌گیری می‌کند که مطلق سحر، حرام است چه قید (اضرار) همراه با آن باشد یا نباشد، اما در بین علما کسانی هم هستند که در بعضی از صورت‌های آن که نافع هست، مخالف حرمتش می‌باشند، یعنی بین این بزرگان، بعضی قائل به حرمت سحر به طور مطلق نیستند. پس در جمیع اعصار، در این مسأله اجماعی ایجاد نشده و صاحب شارح نخبه از جمله مخالفین آن است (۳۹). در اختصاص نداشتن سحر به مواردی که مشتمل بر اضرار است همین بس که صاحب کتاب ایصال الطالب إلى المكاسب می‌نویسد: «چیزهایی که به نفس ضرر می‌رساند اشکالی در حرمتشان نیست و مواردی از سحر که ضرر نمی‌رساند، جایز است. سرانجام نزدیک به احتیاط این است که بایستی از همه آن‌هایی که علامه مجلسی در کتاب بحار نقل کرد، اجتناب نمود» (۴۰)؛ ثالثاً قائلین به نوپدیدبودن هیپنوتیزم بیان کردند: «انجام سحر بدون اراده و اجازه و

بودن مسأله اختصاص حرمت سحر به سحرهای مضر نشان می‌دهد که سحر اختصاص به عملی ندارد که مشتمل بر اضرار باشد؛ ثالثاً همیشه این‌گونه نیست که انجام سحر بدون اراده و اجازه و تماس با مسحور باشد. بنابراین رد استدلال‌های قائلین به اباحه از یکسو و شباهت هیپنوتیزم با سحر از سوی دیگر، باعث می‌شود هیپنوتیزم نیز مشمول حکم تکلیفی حرمت شود.

References

1. Firouzabadi A. Suggestion Suggestibility and Hypnotism. Shiraz: Navid Shiraz; 1383. p.141-152.
2. Fathi F. The effect of hypnotherapy on resilience in patients with acute myeloid. *Health Psychology* 1396; 6(23): 168-182.
3. Izadpanahi P. The Basics of Hypnosis Therapy. *Navid No* 1383; 9(26): 58-61.
4. Dehghanpour H. Correct Parameters on Hypnosis and Magnetism Knowledge. Mashhad: Rahiyan Sabz; 1385. p.27.
5. Jamaliyan R. Hypnotic Induction & Suggestion. Tehran: Nasl Noandish; 1388. p.36-37.
6. Khomeyni SR. Istiftaat. Qom: Islamic Publication Office of Jame'e Modarresin Hoze Elmie Qom; 1380. Vol.2 p.22.
7. Religious Dialog Community. 365 educative talk. Qom: Askdin.com Publication; 1393. p.70.
8. Chatrchi N, Shoeiri MR. Study of Juridical viewpoint to Hypnotism. *Daneshvar Raftar Magazine, Shahed University Publication* 1384; 12(13): 71-78.
9. Watankhah R, Abbasi M, Saberi SM. A review study of criminal responsibility in Somnambulism. *Iran J Forensic Med* 1387; 14(1): 47-56.
10. Firouzabadi A. Suggestion Suggestibility and Hypnotism. Shiraz: Navid Shiraz; 1383. p.118.
11. Hashemi J. Instant Self-Hypnosis. Tehran: Tajassom Khallagh; 1394. p.27-43.
12. Dehkhoda AA. Dehkhoda Medium dictionary. Tehran: Tehran University; 1385. Vol.2 p.1166.
13. Amid H. Amid Persian dictionary. Tehran: Sepehr; 1358. p.1099.
14. Dehghanpour H. Correct Parameters on Hypnosis and Magnetism Knowledge. Mashhad: Rahiyan Sabz; 1385. p.21.
15. Jamaliyan R. The New Encyclopedia of Stage Hypnotism. Tehran: Jamal al-Hagh; 1375. p.149.
16. Dehkhoda A. Loghatname. Tehran: National Parliament Press; 1306. Vol.9 p.13492.
17. Abd al-Rahman M. Muajam al-mostalahat wa al-alfaz al-feqhiye. Qahereh: Darolfazile; 1378. Vol.2 p.249.
18. Raghieb Isfahani H. Mofradat alfaz al-Qur'an. Beirut: Dar al-Shamiyeh; 1371. p.400-401.
19. Salari M. A study of magic in terms of Islam. Qom: Famous Publihing Institute; 1380. p.14.
20. Allameh Helli H. Tahrir al-Ahkam al-Shar'ie ala Mazhab al-Imamiya. Qom: Imam Sadiq; 1420. Vol.5 p.396.
21. Fakhr al-Mohagheghin Helli M. Izah al-Favaed. Qom: Moasesah Ismailiyan; 1345. Vol.1 p.405.
22. Ameli Shahid Aval M. Al-dorous al-Shareiyah fi Fiqh al-Emamiyah. Qom: Islamic Publication Office of Community of Teachers of Qom Seminary; 1417. Vol.3 p.164.
23. Modarresi Yazdi J. A Comparative Comparison between Sufism and Hinduism. *Dar al-Sadiq Isfahan* 1392; 6(25): 103-114.
24. Ansari M. al-Makaseb. Qom: International Congress in Honour of Sheikh Azam Ansari; 1375. Vol.1 p.265.
25. Khooyee SA. Misbah al-Fiqah. Qom: Davari; 1377. Vol.1 p.447.
26. Salari M. A study of magic in terms of Islam. Qom: Famous Publihing Institute; 1380. p.31.
27. Abd al-Rahman M. Muajam al-Mostalahat wa al-alfaz al-feqhiye. Qahereh: Dar al-Fazile; 1378. Vol.2 p.249.
28. Abd al-Rahman M. Muajam al-Mostalahat wa al-alfaz al-feqhiye. Qahereh: Dar al-Fazile; 1378. Vol.2 p.249.
29. Fakhar J. Dar Mahzar Sheykh Ansari, Sharh Moharrame. Qom: Dar ol-Hekme; 2002. p.167.
30. Allameh Helli. H. Tahrir al-Ahkam al-Shar'ie ala Mazhab al-Imamiya. Qom: Imam Sadiq; 1989. Vol.5 p.396.
31. Chatrchi N, Shoeiri MR. Study of Juridical viewpoint to Hypnotism. *Daneshvar Raftar Magazine* 2005; 12(13): 71-78.
32. Sistani A. Istiftaat. Isfahan: Computer Research Center of Qaemieh of Isfahan; 2011. p.416.
33. Khamenei A. Ajvaba al-Istiftaat. Qom: Daftar Muazam al-Lah; 2003. p.270-271.
34. Sistani A. Istiftaat. Isfahan: Computer Research Center of Qaemieh of Isfahan; 2011. p.416.
35. Tabrizi J. Istiftaat Jadid. 1st ed. Qom: Sarvar; 2006. Vol.2 p.270-271.
36. Tabarsi F. Majma al-Bayan fi Tafsir al-Quran. Beyrut: Al-Alami la al-Matbu'at; 1986. Vol.1 p.334.
37. Khoramshahi B. Encyclopedia. Tehran: Entesharat Hekmat; 1360. Vol.2 p.1193.

38. Khooyee SA. Misbah al-Fiqah. Qom: Davari; 1377. Vol.1 p.294.

39. Irvani M. Hashihev Makaseb. Tehran: Rashidiyeh Publication; 1959. Vol.1 p.28.

40. Hoseini Shirazi M. Isal al-Taleb ilā al-Makaseb. Tehran: Alami Publication; 1385. Vol.2 p.282.

41. Farsad H. Hypnosis in Criminal Investigation. Esfahan: Ghoreyshian; 1995. p.18.